

## گفتگوی محمد محمدی با سیروس ملکوتی

: وضعیت سینمای ایران قبل از انقلاب به چه صورت بود؟ با توجه به حضور کارگردانانی

چون بیضایی و کیاروستمی و کیمایی و... که فیلم هایشان در راستای غنای سینمایی فرهنگی بود؟

ج: سینمای ایران از ابتدای حضورش تا به امروز فرآیند تقلید تا خویشتن بابتی فرهنگی هنری را پیموده و همچنان می پیماید. سینمایی که نمایش تحجر و عقب ماندگی و لمپنیزم فرهنگی را به مثابه جلوه‌ای مردمی تصویر می نمود تا سینمایی که شخصیت انسان وامانده در برزخ شخصیت پذیریش در جامعه مدرن مورد ارزیابی قرار می داد.

سینمای ایران در تکوین و تکامل خود بود و اتفاقا داشت نقش تک صدایی هنر شعر را در فرهنگ بیان اندیشه و هنر ایرانی به پس می راند. جدا از شخصیت هایی که نام بردید جا دارد از سهراب شهید ثالث نیز نامی بیاوریم که توانست با اخذ هفده جایزه جهانی نامی برای سینمای ایران بیافریند. سینمای ایران در گستره خویش نیز جدا از زبان و ترجمان اخلاق مذهبی و زمین داری نبود. این اخلاق را می توان هم در سینمای الیت (نخبگان) و هم تجارتي باز یافت.

توده‌گرایی و نکوهش مظاهر مدرن و بازگشت به هستی مبارک و پاکدلی پیشا مدرنیزم از مشخصات این سینما بودند. موفق ترین فیلمهای ان زمان مانند ادبیات داستانی مان روایت دوآلیته (دوگانگی) انسان روستایی بود. بازشناسی و نمایش این تضاد بسیار ساده‌تر می بود تا انسان چند گونه جامع شهری. تمایل به بازخوانی انسان مدرن در پایانه دهه پنجاه بیشتر و بیشتر می گردید، اما نتوانست و یا بهتر بگویم فرصت نیافت تا خود را در سینمای ایران تصویر نماید. سینماگرانی چون بهرام بیضایی و نسل جدیدی می توانستند این تحول را ممکن سازند اما می بینیم که در فردای انقلاب اینان با چه ممیزی و سانسوری مواجه خواهند بود. به هر حال سینمای ایران در زمینه‌هایی دارای رشدی متفاوت از گذشته می باشد بیشتر این زمینه ها اما بر می گردد به تکنیک. بطور مثال زدودن نقش تئاتریکال بازیگری، یکی از مهمترین های آن می باشد. سینمای معاصر ایران دو بازار را پیش روی خود قرار داده است و بر این اساس تولید می گردد. سینمایی که بازار داخلی را مورد نظر دارد و به دلیل نبود سینماهای کافی و عدم مدیریت نمایش سینمایی تکیه خود را به جای بیننده به نظام دوخته است. و دیگری سینمای فستیوالی که سینمایش پاسخی ست به نیاز این فستیوالها. وظایف نانوشته اما تبیین شده سینمای فستیوالی همانا نمایش فرهنگی اتنیک و عاری از مباحث مدرنیته و انکار جلوه های انسان مدرن می باشد. به همین خاطر شخصیت هایی چون بهرام بیضایی در ان جای نمی گیرند. این سینما نیز در نهایت یک سینمای تجارتي و سفارشی بیش قلمداد نمی گردد. سینمای فستیوالی نیز در دوره هایی توانست از روابط اقتصادی و سیاسی نظام با جهان غرب بهره بگیرد و برخی از جوایز فرمایشی را نصیب خود نماید.

(کیهان آنلاین) در گفتگو با سیروس ملکوتی (محمد محمدی)